

نقش فرهنگی مدرسه

دکتر عظیم محبی

در نگاه سنتی، مدرسه مکانی تلقی می‌شود که دانش‌آموزان به آنجا می‌آیند، مطالبی را آموزش می‌بینند و آزمون می‌دهند. اگر جایگاه مدرسه را در این حد تلقی کنیم، چه نیازی است که دانش‌آموزان به مدرسه بیایند؟ لذا به نظر می‌رسد مفهوم مدرسه نیازمند بازبینی، بازاندیشی و بازآفرینی است.

تبیین مفهوم مدرسه

مدرسه فضایی منعطف، پویا، بالنده و هدفمند است که می‌تواند زمینه کسب شایستگی‌های لازم را در متریبان، برای درک و اصلاح مداوم موقعیت براساس نظام معیار اسلامی، فراهم کند. مدرسه (صالح) باید به‌عنوان سازمان یادگیرنده، با ایجاد فضایی تعاملی میان مربیان و متریبان، امکان ترکیب و به‌هم‌پیوستن تجربه‌ها را برای شناخت نقاط هستی‌بخش و هستی فردا و راه‌های مواجهه با آن راه، متناسب با تفاوت‌های فردی متریبان، تدارک ببیند (میانی نظری سند تحول، ۱۳۹۰: ۳۵۸).

سازمان‌دهی مداوم زمینه‌های تربیتی در فضای مدرسه صالح در گرو چند مؤلفه است:

- تغییرات هویتی کلیه عوامل تربیت در مدرسه
- ارتقای پیوسته مراتب وجودی این عوامل تربیتی
- سامان‌دهی مداوم روابط و ساختارها و شکل‌گیری فرهنگ‌سازمانی مدرسه
- مشارکت مستقیم خانواده‌ها در برنامه‌ریزی و اداره امور مدرسه
- مشارکت جامعه محلی به‌منظور غنی کردن فرصت‌های تربیتی

از تبیین مدرسه چند نکته قابل تعمق است:

● **مدرسه نظامی باز و پویاست.** ضمن مهم‌بودن درون‌دادهای مدرسه (منابع انسانی، مالی، آموزشی، تجهیزاتی و ...) ارتباط و تعامل بین عوامل تربیتی مدرسه (مدیر، معلم، مربیان و ...) با دانش‌آموزان، به‌عنوان مهم‌ترین عناصر فرایندی مدرسه، نقش اساسی را در تحقق اهداف این سیستم بر عهده دارد. (محصول، برون‌داد و پیامد).

● **مدرسه یک سازمان یادگیرنده است.** لازمه تحقق اهداف مدرسه، یادگیری مستمر همکاران مدرسه است (یادگیری از ماهیت یادگیرنده، یادگیری از فرایند یادگیری و تربیت، و ...)

یادگیری و توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای همکاران از روش‌های سنتی ضمن خدمت میسر نیست، بلکه نیازمند بهره‌گیری از روش‌های یادگیری تیمی مدرسه‌محور هستیم تا همکاران با تحلیل مسائل مدرسه، به‌صورت تیمی طرح‌های کیفیت‌بخشی را تهیه، اجرا، ارزیابی و اصلاح کنند و با تأمل بر عمل، ضمن توسعه یادگیری خود، به غنی‌سازی فرایند تربیت در مدرسه کمک کنند (درس‌پژوهی).

فرایند تیمی‌محور کمک خواهد کرد همه همکاران مدرسه نسبت به چشم‌انداز مدرسه حس مشترکی داشته باشند و از ظرفیت و مهارت خود برای کیفیت‌بخشی به مدرسه بهره بگیرند.

● **مدرسه یک سازمان فرهنگ‌ساز است.** تلقی مدرسه به‌مثابه فرهنگ بالاترین سطح یادگیری سازمانی تلقی می‌شود. در گذر از یادگیری فردی و یادگیری تیمی به یادگیری سازمانی می‌رسیم. یادگیری سازمانی در مدرسه به‌نوعی بازتعریف مدرسه به‌عنوان عنصری فرهنگی است.

براساس این ادله می‌توان اذعان داشت: تربیت محصول فرهنگ مدرسه است؛ فرهنگ خلاقیت، فرهنگ پژوهش، فرهنگ انسانیت و اخلاق، فرهنگ مشارکت، فرهنگ کار و کارآفرینی، فرهنگ تلاش و پشتکار، و ...



مدرسه زمانی می‌تواند بر دانش‌آموزان اثر تربیتی داشته باشد که همه رخدادهای آن به فرهنگ تبدیل شده باشند و دانش‌آموزان اثر فرهنگی مدرسه را احساس کنند. شرط ایجاد و تعمیق چنین جو و فرهنگی، مشارکت دانش‌آموزان در برنامه‌ریزی و اجرای همه فعالیت‌های مدرسه است. در اثر این مسئولیت‌پذیری و نقش‌الگویی معلمان، مربیان و ... می‌توان انتظار داشت مدرسه در تحقق مأموریت و اهداف مدرسه موفق شود.